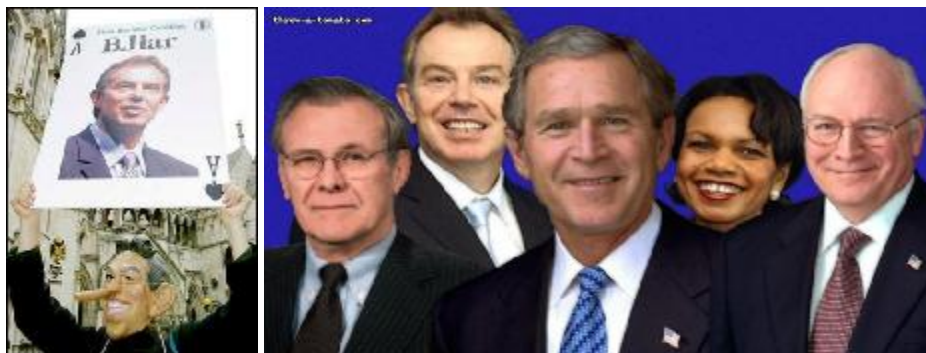


سرانجام تونی بلر رفتنی شد

(راد مرد)



(هیچ انسانی با دردی نمیتواند عملکرد بلر در حمایت از کاخ سفید را فراموش کند)

تونی بلر نخست وزیر انگلیس بالاخره تاریخ کناره گیری از قدرت را اعلام کرد. وی مجبور شد این کار را بکند.

بلر به دلیل جاه طلبی شخصی خود مایل بود رکورد مدت نخست وزیری خانم تاچر را بشکند، اما به اجبار همچون خانم تاچر مجبور شد از قدرت کناره بگیرد. خانم تاچر در پائیز ۱۹۹۰ در حالی که سربازان انگلیسی به دلیل لشکرکشی به کویت خود را برای حمله به عراق آماده می کردند از سمت خود استعفاء داد و جان میجر وزیر دارایی جانشین وی شد. حال در سال ۲۰۰۷ نیز بلر به دلیل شکست در همراهی آمریکا در لشکرکشی عراق، مجبور به استعفاء شد و قرار است گوردون براون وزیر دارایی جانشین وی شود.

تاچر و بلر هر دو به این دلیل که می خواستند همچنان قدرت رقابت را برای حزب خود محفوظ نگه دارند، استعفاء دادند. حزب محافظه کار در دوره تاچر سه دوره پیایی در انتخابات پیروز شد. تاچر دو دوره کامل نخست وزیر بود و در دوره سوم استعفاء داد. جان میجر دوره سوم پیروزی حزب محافظه کار را به پایان برد و برای بار چهارم نیز حزب محافظه کار را بر حزب کارگر پیروز گردانید. حال بلر با استعفای خود در اواسط دوره سوم پیروزی پیایی حزب کارگر، می خواهد همین مسیر را برای حزب کارگر هموار کند.

مهمترین دستاورد دوره زمامداری بلر در امور اقتصادی تعریف می شود؛ جایی که بلر بی شک مدیون گوردون براون وزیر دارایی خود است. در این دوره انگلیس از ثبات اقتصادی، رشد نسبتاً بالای اقتصادی و میزان بیکاری اندک بهره مند بوده است. این دستاوردها در کنار رقباتی سیاسی کم وزن و کم منزلت که از حزب محافظه کار برای رویارویی انتخاباتی با بلر انتخاب می شدند، منجر به پیروزی پیایی حزب کارگر در سه دوره شد. از سوی دیگر بلر با شعار مبهمی مثل «حزب کارگر نو» از احزاب چپ گرای سنتی فاصله گرفت. به عبارت روشن تر، هرگز نمی توان عملکرد بلر در سیاست داخلی و خارجی را با آنچه در کتابها درباره احزاب چپ گرا نوشته شده، ارزیابی

کرد. سیاست اقتصادی حزب کارگر در دوره بلر، ادامه سیاست اقتصادی حزب محافظه کار بود و حتی خشن تر و فاقد جنبه های انسانی رشد و توسعه انسانی. بلر همچنین به اصطلاح «جنگ با ترور» را به ملی گرایی معطوف به نژادپرستی در داخل و تلاش برای احیای امپراطوری از دست رفته بریتانیا در خارج تبدیل کرد. بلر در جنگ ۳۳ روزه لبنان، علناً در کنار رژیم متجاوز اسرائیل قرار گرفت و چنان بی محابا از تل آویو حمایت کرد که حتی اعتراض هم حزبی های خود را نیز برانگیخت. ده سال پیش وقتی بلر به قدرت رسید، وعده داد صادق باشد. اما در عمل دروغگوترین سیاستمدار بریتانیا بود. بلر برای دروغ گفتن انرژی مصرف نمی کرد. یک ضرب المثل اسپانیایی می گوید کسی که دیروز دروغ گفت، امروز نمی تواند شما را فریب دهد.

اما گویا بلر هرگز این ضرب المثل را نشنیده بود. بلر به دروغ مدعی شد صدام دارای سلاح کشتار جمعی است و گزارش سرویس امنیتی انگلیس به اشاره وی منتشر شد. چندی بعد یک دانشجوی عراقی گفت آنچه به فایل سلاح های کشتار جمعی عراق شهرت یافته گزیده های ناشیانه از پایان نامه تحصیلی وی است که در آمریکا تهیه شده است. دیوید کلی از کارشناسان وزارت جنگ انگلیس که بارها از عراق دوره صدام بازدید کرده بود نیز بی اعتباری ادعای نخست وزیر را اذعان کرد. وی چندی بعد در خانه اش مرده یافت شد.

بلر سیاست خارجی انگلیس را به سطح اداره سیاست خارجی آمریکا تنزل داد و به همین دلیل لقب هایی مثل ستون پنجم آمریکا در اروپا و سگ دست آموز بوش را دریافت کرد. بلر در سیاست داخلی خود هر دستاوردی داشته باشد، قطعاً در سیاست خارجی به خصوص در خاورمیانه و روابط اروپا - آمریکا، فردی فاقد ایده و بصیرت بود که موقعیت انگلیس در خاورمیانه را حداقل در دو دهه به عقب برد. انگلیس در دوره بلر، اعتبار و مشروعیت خود را در خاورمیانه به یغما داد که ترمیم آن سال ها طول خواهد کشید.

مهره های اصلی سیاست اروپا یکی پس از دیگری صحنه سیاست را ترک می کنند. گرهارد شرودر و سیلویو برلوسکونی پیش از این قدرت را واگذار کردند و حال نوبت به ژاک شیراک و تونی بلر رسیده است. تونی بلر نخست وزیر انگلیس به کابینه خود گفته است بعد از ده سال حکومت و سه پیروزی در انتخابات های سال ۱۹۹۷، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ اکنون استعفاء خواهد داد. این چیزی بود که از مدتها پیش کابینه انگلیس و حزب کارگر منتظرش بودند و حالا او قرار است پیش از انتخابات از رهبری حزب و به دنبال آن از مقام نخست وزیری کناره گیری کند. به دنبال

او جان پریسکات معاون بلر در حزب کارگر و دولت هم استعفاء خواهد داد. اما جابه‌جایی در وزارت خارجه، داخله، عدلیه و صحت هم ممکن است.

هدف استراتژیست‌های حزب کارگر از این کار روشن است. آنها می‌خواهند دو سال دیگر که رأی‌دهندگان انگلیسی به پای صندوق‌های رأی می‌روند، رهبری جدید حزب کارگر را در ذهن داشته باشند و با این پیش‌زمینه رأی دهند، نه رهبری تونی بلر با همه مشکلات به‌ویژه در سیاست خارجی‌اش. به این ترتیب حزب مخالف و محافظه کار توری دیگر نمی‌تواند خطاهای گذشته را به گردن دولت کارگر بیاندازد. به عبارت دیگر دولت جدید انگلیس از گروه جدیدی از نخبگان حزب کارگر تشکیل می‌شود که متفاوت از گذشتگان هستند و رأی‌دهندگان انگلیسی دیگر از آنها متنفر نیستند.

بلر در حالی صندلی قدرت را ترک می‌کند که روحی سرگردان میان روشنایی و تاریکی و خیر و شر است. قضاوت نهایی درباره مرز میان این دو شرایط در کتاب‌های تاریخ و در آینده مشخص می‌شود. بزرگترین دستاورد دولت بلر اقتصاد بوده است. در دهه گذشته مردم انگلیس به اتفاق می‌گویند که زندگی روزانه‌شان بهتر شده و از آن مهم‌تر این که منصفانه‌تر شده است. اصلاحات بعد از سال ۲۰۰۱ دولت کارگری بلر باعث شد که منافع دولتی میان طبقه‌های مختلف اجتماعی تقسیم شود.

کم‌درآمدترین خانوادگی انگلیسی اکنون ۱۱ درصد بیشتر از دیگر طبقه‌های اجتماعی مزایا دریافت می‌کنند و مزایای ثروتمندان هم کمتر شده است. بنابراین ملت انگلیس به این باور رسیده که نخست وزیر و کابینه او از منافع همه حفاظت می‌کند نه تنها از منافع طبقه‌های خاص. موفقیت حزب حاکم کارگر مدیون شخص بلر و عدم وجود پیچیدگی‌های مرسوم در عرصه سیاست انگلیس در کار او بوده است.

بلر در مراسم رسمی هم گاه پیراهن‌ها و کرتی و پطلون‌هایی به تن می‌کند که رنگی متفاوت دارد و با لباس‌های رسمی دیگر سیاستمداران انگلیسی متفاوت است. او در دوران حضور در ساختمان شماره ۱۰ خیابان داوینینگ صاحب چهارمین فرزند خود شد که این از زمان چرچیل تا تاجر اتفاق نادری در انگلیس بوده است. زندگی بلر به‌گونه‌ای بوده که این پیام را برای مردم انگلیس به همراه داشته، من هم مانند شما هستم و از لذت‌های زندگی مانند شما برخوردارم. اینها ویژگی‌هایی بود که بلر را از دیگر سیاستمداران انگلیس مجزا می‌کرد و باعث محبوبیت و جلب رأی برای او می‌شد. اما این شرایط تا وقتی بود که جنگ عراق روی داد.

با شروع زمزمه این جنگ، بلر مانند سگ دست‌آموز بوش (لقبی که رسانه‌های انگلیس برای بلر به کار می‌برند) از هجوم آمریکا به یک کشور خارجی یعنی عراق حمایت کرد و نیروی نظامی به عراق فرستاد. استدلال بلر برای متقاعد کردن انگلیسی‌ها به این جنگ تأکید بر این نکته بود که صدام حسین در یک مدت زمان ۴۵ دقیقه‌ای و در شرایط بحرانی می‌تواند از سلاح کشتار جمعی استفاده کند.

هنوز هم مردم انگلیس نمی‌دانند آیا واقعاً بلر دروغ گفته و یا تنها از سوی آمریکایی‌ها یا سرویس اطلاعاتی ام آی ۶ انگلیس گمراه شده بود. در دنیای بی‌رحم سیاست اگر مدرک و سندی نباشد نابود کردن یک نفر بسیار آسان است. بلر از ناحیه جنگ عراق صدمه‌های زیادی را متحمل شد که جدیدترین آن شکست سنگین حزب کارگر در انتخابات منطقه‌ای و محلی ولز و اسکاتلند بود. اما او در پایان دوران مسئولیتش یک برگ برنده را رو کرد و ناگهان در ایرلند شمالی به پیمان صلح رسید.

چندی قبل دولت محلی ایرلند کار خود را در بلفاست شروع کرد. ایرلند شمالی برای انگلیسی‌ها و برای غرب یادآور ناخوشایندترین خاطرات، از اشغال نظامی ارتش انگلیس تا اقدامات هولناک تروریستی و حمله و خشونت کاتولیک‌ها علیه پروتستان‌ها و برعکس است. و حالا تونی بلر به سال‌ها خشونت و تاریخ خونین این منطقه پایان داده است. اگر ایرلند شمالی به صلح برسد، مردم انگلیس و شاید همه جهان خطای بلر در جنگ عراق را می‌بخشند. اما او در حالی بازنشسته می‌شود که نه تکلیف جنگ عراق معلوم شده و نه صلح ایرلند.

تونی بلر چند هفته دیگر در قدرت باقی می‌ماند تا وقتی رهبر جدید حزب کارگر انتخاب شود. قرار است گوردون براون وزیر دارایی انگلیس جانشین بلر شود. بعضی تحلیلگران می‌گویند به این ترتیب حزب کارگر به رهبران چپ‌گرای خود بازمی‌گردد. حزب توری براون را خودکامه‌تر از بلر توصیف کرده و گفته است با انتصاب او تنها چهره‌ها در دولت انگلیس تغییر می‌کنند و سیاست‌ها همان‌طور باقی می‌ماند.

یک روزنامه انگلیسی از ناامیدی و خشم ملکه انگلیس درباره عملکرد ۱۰ ساله تونی بلر نخست وزیر این کشور خبر داد. ساندی هرالده نوشت: به گفته دوستان نزدیک ملکه، وی از عدم درک صحیح مسائل و مشکلات داخلی انگلیس از سوی بلر ناراحت بوده و در بسیاری از موارد، سیاست‌های حزب کارگر نیز که رهبری آن به عهده بلر است، باعث نگرانی عمیق ملکه شده است.

این روزنامه به نقل از افراد دربار انگلیس افزود: ملکه همچنین از دخالت بی‌جای بلر و هم‌حزبی‌های وی در میراث بریتانیا از جمله ساختار مجلس اعیان دلخور است. وی نظر رهبران ارتش را مبنی بر اینکه در زمان بلر وظایف خارجی ارتش انگلیس بیش از اندازه لازم به ماورای مرزهای این کشور گسترش یافته‌است، قبول دارد. در عین حال مهم‌ترین شکایت ملکه از سیاست‌های بلر این است که وی بیش از آنچه منطقی به نظر می‌رسد برای کسب رضایت واشنگتن انرژی مصرف کرده و همسایگان بریتانیا در اروپا و بخصوص کشورهای مشترک‌المنافع را نادیده گرفته‌است.

در روزهای نخست دوران مسوولیت تونی بلر، مخالفان او لقب بامبی را به وی می‌دادند. اکنون بعد از ۱۰ سال که از نخست‌وزیری بلر می‌گذرد او را در انگلیس «سگ دست‌آموز آمریکا» می‌نامند. بلر سیاستمدار بدون مهارتی نیست اما قربانی جنگ عراق و تصورش از رییس جمهوری شد که فکر می‌کرد از خطاهای گذشته‌اش درس می‌گیرد و مسیر سیاست‌هایش را دگرگون می‌کند. بلر در اجلاس سالانه مجمع جهانی اقتصاد در داووس سخنرانی کرد که نوعی نطق خداحافظی با رهبران جهان بود. این سخنرانی اما فقط سخنرانی خداحافظی نبود و نکاتی داشت که برای قضاوت درباره بلر باید آن را در نظر داشت.

او در این سخنرانی از ارزش‌های وابستگی جهانی سخن گفت که در قرن ۲۱ و برای بقای جهان امری ضروری است. این سخنرانی را می‌توان نوعی اعلام استقلال بلر از بوش توصیف کرد. این سخنان اما نمی‌تواند تاثیر چندانی بر اعتبار جهانی بلر بگذارد و زمان برای این کار گذشته است. وقتی بلر دفتر نخست‌وزیری را ترک کند همه میراث سیاسی‌اش در یک کلمه خلاصه می‌شود: عراق. اما او در اجلاس داووس پیشنهادهای داد که اکثر آن با سیاست‌های کنونی آمریکا متفاوت است.

او برای تقویت شورای امنیت سازمان ملل پیشنهاد کرد که آلمان، جاپان، برزیل و هند و شاید یک کشور آفریقایی مسلمان به این شورا اضافه شوند. پیشنهاد دیگر بلر ادغام کردن نهادهای بین‌المللی بود تا این نهادها در هر کشور با یک صدا سخن بگویند و فعالیت کنند. برای این منظور بلر توصیه کرد که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با هم ادغام شوند و گروه هشت کشور صنعتی جهان، قدرت‌های نوظهور در عرصه جهانی همچون هند و چین را در بر بگیرد. نخست‌وزیر انگلیس در این سخنرانی گفت که جهان به چندجانبه‌گرایی احتیاج دارد که قدرتمند باشد تا در مواردی همچون فاجعه دارفور یا پیمان‌های آب و هوایی وارد عمل شود و کارساز باشد. پرسشی که بعد از شنیدن این سخنرانی به ذهن هر شنونده‌ای می‌رسد این است

که چگونه این مرد که چنین آتشین به برنامه‌های چند جانبه برای جهان اعتقاد دارد در برابر یکجانبه گرا ترین دولت در تاریخ مدرن آمریکا چنین سر تعظیم فرو آورده است .
حامیان بلر می‌گویند که بعد از ۱۱ سپتامبر او چاره و جایگزین دیگری به غیر از هم‌پیمانی با آمریکا نداشته است . او در ابتدا سعی در تغییر نظر دولت بوش در جنگ عراق و دیگر برنامه‌هایش درباره خاورمیانه داشته اما بعد از ناکامی در این راه با او همراه شده است . بلر در داووس و در پاسخ به سئوالی گفت، سخنان زیبایی غرب درباره دموکراسی و آزادی هیچ فایده‌ای نخواهد داشت اگر عدالت با این سخنان همراه نباشد . وضعیت سیاسی خود بلر هم تابع همین گفته است. او آخرین نومحافظه‌کار انگلیسی است که ارزشهای خود را قربانی کرده تا خوشایند رییس جمهور آمریکا باشد.

رسوایی های بلر

(بلر مانند ... دست آموز بوش «لقبی که رسانه‌های انگلیس برای بلر به کار می‌برند» از هجوم آمریکا به يك کشور خارجي یعنی عراق حمایت کرد و نیروی نظامی رابه عراق فرستاد)



کامیابی‌های مشخص در سیاست خارجی بلر اندک است. بلر می‌تواند بخشی از موفقیت تسلیم‌گرایانه خود را به نام خود ثبت کند . توافق اخیر با اسپانیا بر سر تنگه جبل‌الطارق هم راه را برای عمیق‌تر شدن روابط انگلیس و اسپانیا هموار کرد. اما موارد ناامیدی و ناکامی بسیار زیاد است که عراق بزرگترین آن است.

عواقب بعد از جنگ افغانستان با توجه به میزان مصرف مواد مخدر در انگلیس و خرید و فروش آن در خیابان‌های این کشور نیازی به تحلیل ندارد. بلر همچنین نتوانست جلوی افول جایگاه و موقعیت انگلیس را در خاورمیانه بگیرد . جانشینان بعدی او این اشتباه را نخواهند کرد. در آینده نزدیک، هر کس که در انگلیس نخست‌وزیر شود دیگر به حمایت بی‌چون و چرا از سیاست خارجی آمریکا نخواهد پرداخت. منطق کنونی حاکم بر روابط آمریکا و اروپا این است که هزینه‌ها

را يك کشور ایجاد می‌کند اما فایده میان همه کشورها تقسیم می‌شود. بنابراین آمریکا فایده زیادی به کشور انگلیس خارج از چارچوب اتحادیه اروپا نمی‌تواند برساند. حتی اگر رساندن این فایده ممکن باشد؛ مانند صادرات تکنولوژی نظامی به هند، کنگره محافظه‌کار آمریکا با تصویب قانونی به دولت گوشزد می‌کند که با انگلیس مانند دیگر کشورهای اروپایی رفتار کند .

جنگ عراق هم مانند ماجرای کانال سوئز تا سال‌ها روابط میان انگلیس و آمریکا را تحت تاثیر قرار خواهد داد. تغییر رابطه با آمریکا برای انگلیس، پیامدهای زیادی دارد که مهم‌ترین آن، نقش انگلیس در اتحادیه اروپاست. هیچ دولتی در انگلیس و در هیچ‌یک از کشورهای اروپایی نمی‌تواند به طور همزمان، هم از آمریکا فاصله بگیرد و هم از اتحادیه اروپا . رابطه نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا، نه تنها برای دولت انگلیس يك ضرورت است، بلکه روسای جمهور بعدی آمریکا هم همین خواسته را از انگلیس دارند.

آمریکا خواستار اتحادیه اروپایی است که نقش و مشارکت جدی در امور بین‌المللی داشته باشد. انگلیس این فرصت را دارد که این نقش را در اروپا ایفا کند .

دولت انگلیس به دلیل یک بحران سنگین در اجرای حکم و نظارت بر خلافکاران جنسی و قاچاقچیان موادمخدر، زیر فشار قرار دارد. روزنامه هاندلز بلات از لندن گزارش داد، فریاد خشم سراسر این کشور را زمانی فراگرفت که قاضی در حکم دو کودک‌آزار تخفیف داد، اما دلیل این امر مشخص شد. برخی از طنزپردازان انگلیسی موضوع را این گونه مطرح می‌کنند: زندان‌ها، به دلیل پر شدن ظرفیت‌شان تعطیل هستند. سربازان در خانه‌هایشان خوابیده‌اند، زیرا کارهای غیرقانونی از تخت‌های سربازخانه‌ها استفاده می‌کنند و در سواحل این پادشاهی، کشتی‌هایی لنگر انداخته‌اند پر از زندانی.

بحران اخیر که سایه‌ای بر روی خداحافظی آرام آرام تونی بلر از نخست وزیری انداخته است، بحرانی است مربوط به اجرای احکام. این بحران بیش از هر رسوایی دیگری - از جمله آنها رسوایی اعطای القاب تشریفاتی به حزب کارگر بلر در ازای پرداخت میلیون‌ها پوند - باعث انگیزش میان انگلیسی‌ها شده است . وضع زندان‌های انگلیسی آن قدرها هم که در مقاله‌های روزنامه‌های این کشور مورد تمسخر قرار می‌گیرد، بد نیست. با این وجود آنقدرها هم به بیراهه نرفته‌اند.

وزارت داخله انگلیس این گونه تصور می‌کند که تا تابستان، شمار زندانیان انگلیسی ۸۳ و ۵۰۰ تن باشد. این رقم بیشتر از گنجایش زندان‌های این کشور است که اکنون ظرفیت پذیرش ۸۱ هزار زندانی را دارند. در همین حال این میزان هم در مقایسه با هر کشور دیگر عضو اتحادیه

اروپا بیشتر است. خشم ملت این کشور بر سر بحران زندان که هر روزه رسانه‌ها به آن می‌پردازند، زمانی بالا گرفت که جان رید، وزیر کشور انگلیس در نامه‌ای به یک قاضی نوشت: شما باید در احکامی که صادر می‌کنید، تجدیدنظر نمایید، چرا که زندانیان در حد انفجار پر هستند و در صورت امکان فقط خلافکاران با جرم سنگین را به زندان بفرستید.

فریاد خشم در سراسر این کشور زمانی فراگیر شد که قاضی بر این اساس حکم زندان دو کودک آزار را تخفیف داد. یکی از آنها که به پخش تصاویر مستهجن از کودکان در اینترنت از رایانه شخصی خود می‌پرداخته است، با پوزخند به تلویزیون بی.بی.سی گفت: قاضی مسوول نیست، او فقط وظیفه‌اش را انجام داده است.

دفتر نخست وزیری بریتانیا اعلام کرد تونی بلر در ارتباط با نوع تهیه منابع مالی از سوی پولیس مورد بازجویی قرار گرفت. یکی از سخنگویان دفتر نخست وزیر در این باره گفت: از بلر به عنوان یک شاهد بازجویی شده و نه به عنوان یک مظنون. نخست وزیر بریتانیا به ماموران پولیس درباره انتصاب پاره‌ای از افراد در برخی از مناصب دولتی توضیحاتی را ارائه داد. با وجود آنکه بعید به نظر می‌رسد این بازجویی‌ها در نهایت به صدور قرار مجرمیت علیه تونی بلر ختم شود، این مساله که نخست وزیر مجبور به ارائه پاره‌ای از توضیحات در باره اقدامات دولت خود به ماموران پولیس شود شرم آور است.

از ماه مارچ گذشته پولیس بریتانیا تحقیقاتی را درباره اقدامات دولت برای حفظ موقعیت سیاسی خود، انجام داده است، این تحقیقات زمانی آغاز شد که مشخص شد حزب کارگر (حزب حاکم) و دولت جهت حفظ موقعیت خویش به پاره‌ای از تامین کنندگان منابع مالی حزب کارگر القابی اشرافی و سمت‌هایی در دولت پیشنهاد کرده است. این بذل و بخشش‌ها در واقع برای کسب حمایت مالی انجام گرفته بود. بر اساس قانونی که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسیده بود، احزاب از اعلام میزان وام‌های دریافتی معاف شده بودند.

از همین رو بود که حزب کارگر با اعطای القاب اشرافی و پاره‌ای مناصب دولتی، جهت جذب منابع مالی بیشتری برآمده بود. پیشتر نیز پولیس بریتانیا از برخی دیگر از مقامات حزب کارگر بریتانیا بازجویی کرده بود. در میان افرادی که مورد بازجویی قرار گرفته بودند، نام لرد ساینسبوری وزیر علوم سابق بریتانیا لرد لوی فرستاده بلر به خاورمیانه نیز به چشم می‌خورد.

تونی بلر در حالی که پایان دوران ۱۰ ساله نخست وزیری‌اش فرارسیده است به حق نگران قضاوت تاریخ درباره خودش است. او با بیم از اینکه به خاطر نقشش در جنگ عراق گرفتار نفرین تاریخ

شود، اکنون برای تصحیح میراث سیاسی‌اش به تقلا افتاده است. سفر اخیر او به خاورمیانه هم در همین راستا بوده است.

بلر تلاش می‌کند برای جبران گذشته حداقل در این روزهای آخر روند صلح خاورمیانه برای حل مناقشه فلسطین را احیا کند. اما در این راه با تناقض‌های جدی روبه‌روست. او خود را طرفدار تشکیل کشور فلسطین قلمداد می‌کند اما در جنگ عراق طرف نومحافظه‌کاران طرفدار اسرائیل بوده است.

وقتی اسرائیل در تابستان گذشته جنگ علیه لبنان را شروع کرد، بلر درخواستی برای آتش‌بس مطرح نکرد. بلر همچنین هیچ‌گاه از اسرائیل نخواستند حق فلسطینی‌ها برای تشکیل کشور مستقل را به رسمیت بشناسد.

از ماه جولای تاکنون بیش از هزار فلسطینی در حملات اسرائیلی‌ها کشته شده‌اند اما بلر حتی یک کلمه هم حرفی نزده است. دیوان عالی اسرائیل در اقدامی حیرت‌آور حکمی صادر کرده که کشتار هدفمند را مشروع می‌کند. اما حتی این کار هم با واکنشی از سوی بلر روبه‌رو نشده است. نزدیکترین مشاوران بلر همچون لرد لوی و سر نیجل شینوالد که در دهه گذشته مناصب مهمی داشته‌اند همگی در اردوگاه طرفدار اسرائیل هستند. بلر با این سابقه به خاورمیانه رفت. پیام او در این سفر این بود که میانه‌روها علیه تندروها متحد شوند. از نظر بلر انگلیس، آمریکا، اسرائیل و غرب در کنار میانه‌روهای عرب باید علیه نیروهای تندرو به نمایندگی ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس متحد شوند.

این تقسیم‌بندی سیاه و سفید و خیر و شر در واقع کلام بوش است. این بازی با کلمات است نه یک تحلیل سیاسی یا حتی سخن منطقی. اینگونه سخن گفتن به مناقشات منطقه‌ای دامن می‌زند نه اینکه آنها را حل کند. اشتباه بلر در این است که در رویکرد خود به خاورمیانه بر مشکل و مناقشه فلسطین تکیه می‌کند. به جای این او باید به طور کلی به مناقشه اعراب و اسرائیل بپردازد. او در سخنانش هیچ اشاره‌ای به سوریه و نقش این کشور ندارد. او همچنین در اظهار نظراتش در این سفر بارها از عباس و سخنرانی او دفاع کرد. سیاست بلر به صلح و آشتی منجر نمی‌شود بلکه به جنگ داخلی در فلسطین می‌انجامد. اگر منافع مشروع ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس در نظر گرفته نشود، هیچ مشکلی در خاورمیانه حل نخواهد شد.

دولت انگلیس به دلیل یک بحران سنگین در اجرای حکم و نظارت بر خلا فکاران جنسی و قاچاقچیان مواد مخدر، زیر فشار قرار دارد. روزنامه هاندلز بلات از لندن گزارش داد، فریاد خشم

سراسر این کشور را زمانی فراگرفت که قاضی در حکم دو کودک آزار تخفیف داد، اما دلیل این امر هنوز مشخص نشده است.

بحران اخیر که سایه‌ای بر روی خداحافظی آرام آرام تونی بلر از نخست وزیری انداخته است، بحرانی است مربوط به اجرای احکام. این بحران بیش از هر رسوایی دیگری - از جمله آنها رسوایی اعطای القاب تشریفاتی به حزب کارگر بلر در ازای پرداخت میلیون‌ها پوند - باعث انگیزش میان انگلیسی‌ها شده است.

وضع زندان‌های انگلیسی آن قدرها هم که در مقاله‌های روزنامه‌های این کشور مورد تمسخر قرار می‌گیرد، بد نیست. با این وجود آنقدرها هم به بیراهه نرفته‌اند.

همچنان با افزایش اعتراضات به سیاست‌های نیروهای بیگانه در عراق تونی بلر نخست وزیر انگلستان نیز مجبور به یک اعتراف تلخ شد و از اوضاع وخیم عراق یاد کرد. نخست وزیر انگلستان درحالی که یکی از اعضای کابینه‌اش برای دیدار با سربازان این کشور به عراق سفر کرده است در مصاحبه با شبکه الجزیره گفت: اوضاع کنونی در عراق فاجعه بار است.

وی که به تبعات این سخن خود پی برده بود بلافاصله تأکید کرد که مشکل این وضعیت فاجعه‌آمیز اشکال در برنامه‌ریزی‌های متجاوزین نیست بلکه وجود شبه نظامیانی همچون شبکه تروریستی القاعده عامل آن است.

در همین روز سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه نیز در خصوص تجزیه عراق هشدار داد. میخائیل کامنین گفت: در عراق امکان تجزیه وجود دارد و فروپاشی این کشور در شرایطی که خشونت‌های قومی و مذهبی بی‌سابقه ادامه دارد پیامدهای منفی برای همه منطقه به همراه خواهد داشت.

انتشار اظهارات فرمانده ارتش انگلیس در روزنامه دیلی میل که خواستار خروج نیروهای انگلیسی از عراق شده بود یک جنجال سیاسی جدید در این کشور را ایجاد کرده است. جنرال سر ریچارد دانات در مصاحبه با دیلی میل که تحت عنوان سر ریچارد دانات: جنرالی بسیار رو راست منتشر شده گفته بود که حضور نیروهای بریتانیایی در عراق باعث تشدید مشکلات امنیتی می‌شود.

در واکنش به انتشار این مصاحبه، دفتر نخست وزیر انگلیس با صدور بیانیه‌ای اعلام داشت که نیروهای این کشور با ابراز تمایل صریح دولت عراق و بر اساس مأموریت مصوب سازمان ملل در عراق خدمت می‌کنند. سخنگوی تونی بلر، گفته است که همگان مایل هستند که سربازان بریتانیایی هر چه زودتر به میهن خود بازگردند اما زمانی که دولت منتخب مردم در حمایت نیروهای مسلح ملی در عراق مستقر شده باشد.

با اینهمه، اظهارات رییس ستاد مشترک ارتش انگلیس با استقبال گروه های مخالف جنگ عراق مواجه شد که وی را به خاطر صراحت لهجه مورد ستایش قرار دادند. در پی انعکاس وسیع نظرات جنرال دانات در رسانه های همگانی انگلیس، وی در مصاحبه ای با بی بی سی گفت که نظرات وی در باره عراق نه ماهیتا جدید بوده و نه ماهیتا قابلیت تبدیل به یک عنوان خبری را داشته است. وی افزود که هدف وی از مصاحبه با دیلی میل این نبود که باعث ایجاد جار و جنجال شود و بعضی در صدد برآیند در خلال ساعات شب، با تعبیر محتوای این مصاحبه به وجود شکاف بین رییس ارتش و وزیر دفاع، از آن لذت ببرند.

رییس ستاد ارتش توضیح داده است که از خارج کردن نیروهای انگلیسی در آینده ای نزدیک سخن گفته و منظور وی مخالفت با انجام ماموریت آنان در عراق نبوده است. به گفته وی، واحدهای انگلیسی نزدیک به سه سال و نیم در عراق بوده اند و مانند سایر نیروهای ائتلاف، فشارهایی را تحمل کرده اند و بنابراین، طبیعی است که زمانی که احساس شود ماموریت خود را عمدتا به انجام رسانده اند لازم است از عراق خارج شوند.

جنرال دانات در مصاحبه خود گفته است که نمی توان از ادامه حضور نفرات ارتش انگلیس در عراق برای دو یا سه یا پنج سال دیگر سخن گفت بلکه باید حضور آنان را در یک مدت زمان منطقی مورد توجه قرار داد. به گفته رییس ستاد ارتش بریتانیا، نظامیان این کشور در عراق در انجام ماموریت خود پیشرفت خوبی داشته اند و تا کنون حفظ امنیت دو ولایت از چهار ولایتی را که در اختیار آنان بوده است به نیروهای عراقی واگذار کرده اند. ما در یک کشور مسلمان هستیم و دیدگاه مسلمانان در مورد حضور خارجیان در کشورشان کاملا مشخص است. حمایت احتمالی اولیه از حضور نظامی انگلیس در میان عراقی ها با گذشت زمان به نوعی تحمل این حضور و بعدا تا حدود زیادی به عدم تحمل تبدیل شده است.

برخی روزنامه های صبح جمعه در انگلیس از ناخرسندی شدید دولت از اظهارات جنرال دانات خبر داده اند. همین اکنون در حال حاضر، تعداد ارتش انگلیس در عراق به بیش از هفت هزار نفر می رسد که عمدتا در بصره، در جنوب عراق، مستقر هستند. از زمان لشکرکشی عراق در سال ۲۰۰۳ تا کنون، ۱۱۹ نظامی بریتانیایی در این کشور جان خود را از دست داده اند که اکثر آنان پس از سقوط رژیم سابق عراق و پس از استقرار در جنوب این کشور کشته شده اند. سخنگوی حزب محافظه کار، بزرگترین حزب مخالف دولت، گفته است که سخنان رییس ستاد مشترک ارتش دولت را در جوی بسیار دشوار قرار داده و رهبر حزب لیبرال دموکرات، یکی

دیگر از احزاب مخالف، موضع جنرال دانات را کاملا مغایر با مواضع نخست وزیر در مورد عراق توصیف کرده و از بلر خواسته است به این موضوع توجه کند.

همچنان بر اساس نظرسنجی روزنامه‌های گاردین و ایندپندنت اکثر انگلیسی‌ها آرزو می‌کنند سربازان کشورشان دیر یا زود از عراق خارج شوند. در نظرسنجی که موسسه آی.سی.ام برای روزنامه گاردین به انجام رساند بیش از ۶۰ درصد پرسش‌شوندگان خروج نیروهای نظامی کشورشان را از عراق در سال جاری میلادی خواستار شدند. ۴۵ درصد هم برای خروج فوری نیروهای این کشور اشتیاق نشان دادند.

فقط ۳۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی از موضع تونی بلر، نخست‌وزیر انگلیس حمایت کردند که می‌گوید سربازان انگلیسی فقط زمانی عراق را ترک خواهند کرد که خود نیروهای عراقی بتوانند امنیت را در این کشور برقرار کنند.

روزنامه ایندپندنت هم نظرسنجی را که موسسه کامیونیکیت ریسرچ انجام داده است، منتشر کرد و بر اساس آن ۶۲ درصد پرسش‌شوندگان خروج نیروهای نظامی این کشور را از عراق در سریع‌ترین زمان ممکن خواستار شده‌اند. ۷۲ درصد نیز تصریح کرده‌اند انتظار ندارند پیروزی در جنگ عراق حاصل شود.

در همین حال بسیاری از این افراد گفته‌اند اگر نیروهای انگلیسی و آمریکایی از عراق خارج شوند، این کشور به جنگی داخلی وارد خواهد شد. انگلیس به عنوان نزدیک‌ترین متحد آمریکا حدود ۷۲۰۰ سرباز در عراق دارد. بیشتر این نیروها در جنوب این کشور مستقر هستند.

انگلیس بعد از بلر

«تونی بلر در زمان تصدی نخست وزیری اش به گدی سیاسی شباهت داشت»



جابه‌جایی قدرت در کشور انگلیس چه تأثیری بر روابط آمریکا با این کشور و همه اروپا خواهد داشت. این موضوع مهمی است که البته با توجه به رو به پایان بودن عمر دولت جمهوری خواهان

آمریکا اهمیت بیشتری هم خواهد یافت . در انگلیس از سپتامبر سال ۲۰۰۴ که تونی بلر اعلام کرد تصمیم دارد قدرت را واگذار کند، دو پرسش همواره مطرح بوده است. اول اینکه کی این اتفاق می‌افتد و دوم اینکه جانشین او چه تفاوتی با او خواهد داشت؟ اکنون که پاسخ اولین سؤال کم و بیش معلوم شده و بلر قرار است نیمه تابستان همین امسال ساختمان شماره ۱۰ خیابان داونینگ را ترک کند، پرسش دوم در کانون توجه قرار گرفته است.

جانشین بلر، گوردون براون خواهد بود؛ اسکاتلندی بانزاکتی که از طبقه روشنفکر انگلیس به شمار می‌آید و دغدغه عدالت اجتماعی دارد. او در ده سال گذشته در مقام وزیر دارایی مرد دست راست بلر و مهم‌ترین شخصیت کابینه بعد از نخست‌وزیر بوده است . اعضای پارلمان، تحلیلگران سیاسی و کسانی که براون را می‌شناسند او را نخست‌وزیری متفاوت از بلر می‌دانند. حوزه‌های علاقه‌مندی و دغدغه او بر خلاف بلر به جای خاورمیانه، آفریقا و عدالت تجاری است .

او هیچگاه علاقه‌ای به بحث درباره موضوع عراق نداشت و نقطه مشترکی با جورج بوش ندارد. براون اگر چه گاهی تجسم همه ارزش‌های خالص حزب کارگر به شمار می‌آید، اما از این نظر که به عنوان یک سوسیالیست به شدت به آمریکا بدبین است و با جنگ میانه‌ای ندارد نکات اضافه‌ای نسبت به حزبش دارد . البته بعضی از اعضای حزب کارگر می‌گویند براون از نظر شخصی بیشتر از بلر به آمریکا علاقه دارد چرا که اکثر تعطیلاتش را در مناطق تفریحی و آرام آمریکا می‌گذراند در حالیکه بلر اروپا را برای گذراندن تعطیلات ترجیح می‌داد . براون نمی‌تواند از ناحیه رای دهندگان انگلیسی خیالی آسوده داشته باشد. بعضی در حزب کارگر می‌گویند شیوه‌های متفاوت او تحت‌الشعاع نزدیکی ده ساله‌اش با بلر و دولت او قرار می‌گیرد و همین موضوع مانع از آن می‌شود که رای دهندگان انگلیسی به راحتی با او ارتباط برقرار کنند .

اما تا حالا که هیچ رقیبی برای او در به دست گرفتن رهبری حزب کارگر که بلر به زودی آن را واگذار می‌کند، پیدا نشده است. اگر همچنان کسی وجود نداشته باشد براون بدون هیچ چالشی به رهبری حزب کارگر می‌رسد و در نتیجه به طور طبیعی نخست‌وزیری را هم از آن خود خواهد کرد. این عنوانی است که او بیش از پنج سال را در انتظار آن گذرانده است . آمریکایی‌ها براون را نخست‌وزیری متفاوت از بلر خواهند یافت، نخست‌وزیری که محتاط‌تر است و به اندازه بلر مطیع نیست. بعضی تحلیلگران آمریکایی و انگلیسی می‌گویند واشنگتن باید برای تغییری بزرگ در شیوه و سبک سیاست‌های انگلیس آماده باشد .

تام باور روزنامه‌نگار و نویسنده زندگی‌نامه براون در سال ۲۰۰۴ در این باره می‌گوید، براون مانند بلر یک بازیگر نیست. اما به روابط میان دو سوی اطلس اعتقاد دارد و بدون شك به دنبال قطع

روابط لندن و واشنگتن نیست . تاثیری که براون بر روابط آمریکا و انگلیس خواهد داشت این است که اختلافات میان دو کشور را آشکار می‌کند. بلر همواره تلاش می‌کرد هر چه اختلاف میان لندن و واشنگتن وجود داشت را کوچک و بدون اهمیت جلوه دهد و فقط بر وحدت و یکپارچگی دو طرف تاکید کند.

به ندرت پیش آمده است که به ویژه در سال‌های اخیر بلر سیاست مستقلی از آمریکا در حوزه خارجی ابراز کند. به همین دلیل او را سگ دنباله‌روی بوش لقب داده بودند . دیپلمات‌های انگلیسی از اینکه بلر از نفوذ خود بر بوش برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌های او استفاده نکرده است به او بسیار انتقاد می‌کنند.

اما براون بازی جدی‌تری خواهد داشت. انگلیس و آمریکا در حوزه‌هایی مانند تغییرات جوی و دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی دچار اختلافاتی بودند. اما بلر به نوعی با این اختلافات بازی می‌کرد و هیچ‌گاه از آنها استفاده نمی‌کرد. براون بدون شک عکس این عمل خواهد کرد.

براون اگر چه بازی سخت‌تر را در برابر آمریکا خواهد داشت اما او بیش از آنکه به اروپا نزدیک باشد به آمریکا نزدیک است. او که در محافل روشنفکری راحت‌تر است و بیشتر می‌درخشد تا مجامع و نهادهای دفاعی مانند آنچه در واشنگتن وجود دارد، اما به اروپا هم وابستگی ندارد . بلر می‌خواست که انگلیس را در قلب اروپا جای دهد. اما وزیر دارایی او در این سال‌ها هیچ نشانه‌ای از خود بروز نداده که حاکی از علاقه و نزدیکی به اروپا باشد . براون به غیر از چند باری که به اجبار در چند جلسه و گردهمایی باید ظاهر می‌شد، به ندرت از اروپا دیدار می‌کند و به پایتخت‌های اروپایی می‌رود .

درباره عراق کسی انتظار تغییر چندانی در سیاست لندن در دوران نخست‌وزیری براون را ندارد. بلر، شمارش معکوس برای خروج نیروهای انگلیس از عراق را آغاز کرده است . هدف براون این خواهد بود که در کوتاه‌ترین زمان ممکن نیروهای انگلیسی را از عراق خارج کند .

اما درباره افغانستان او مجبور است سیاست فعلی را حفظ کند. سیاست خارجی بلر بر مداخله فعال متمرکز بوده و این عقیده را دنبال می‌کرده است که غرب وظیفه اخلاقی دارد از نظر نظامی هر جا که لازم می‌داند مداخله کند. اما نظر براون متفاوت است. او بیش از هر چیز در سیاست خارجی دغدغه آفریقا را دارد . حوزه‌هایی که براون در ارتباط با آفریقا در آنها فعال است کمک مالی، کاهش بدهی‌ها و عدالت اجتماعی است. با توجه به بحران دارفور باید دید حتی در این مورد هم براون از مداخله نظامی حمایت نمی‌کند؟

براون از مدتي پيش مانند نخست‌وزيرها رفتار مي‌کرد و در همه موارد مربوط به دولت دخالت مي‌کند، از مسائل مهاجرت گرفته تا ميزباني جام‌جهاني فوتبال در سال ۲۰۱۸ . براون روي رقابت اقتصادي با کشورهاي در حال توسعه‌اي چون هند و چين هم تاکيد زيادي دارد. براون معمار و طراح بسياري از اصلاحات حزب کارگر در دهه گذشته بوده است . بنابراین نمي‌توان از او انتظار تغييرات بنيادين را داشت.

منابع مورد استفاده : نقش انگليس در تشنج هاي منطقوي ، بلر حاکم بي اراده و منابع خبري .

www.esalat.org